

رویکردی بر حق تعلیم کودک توسط والدین در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی

عاطفه عباسی کلیمانی^۱

اسما اکبری*^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱

چکیده

حق بر آموزش کودک، از حقوق فردی وی و از جمله حقوق اجتماعی برای داشتن جامعه سالم است. در جامعه کنونی، اجرای این حق بر عهده نهادهای رسمی مانند دولت و نهادهای غیر رسمی مانند خانواده است. طبق اسناد بین‌المللی، خانواده با توجه به نقش اساسی خود که در تعلیم و تربیت کودک دارد، در تضمین اجرای این حق نسبت به دولت در اولویت قرار دارد. در تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سوال هستیم که دامنه نقش والدین در تعلیم و آموزش کودک چه موضوعات و ابعادی را در بر می‌گیرد. تبیین این مسأله، نگارندگان را به این نتیجه رهنمون ساخته است که با نظر به این که کودک بیشترین ارتباط عاطفی، روانی، شخصیتی و ... را با خانواده خود برقرار می‌کند؛ نه تنها باید تدابیری اندیشیده شود که خانواده کانون تعالی و رشد وی باشد، بلکه دولت نیز باید بیش از هر چیز تأمین سلامت خانواده را در اولویت برنامه اجرایی خود قرار دهد تا کودکان به عنوان نیروی انسانی آینده کشور بتوانند تمام نیازهای خود را ابتدا در خانواده‌ای سالم و سپس در جامعه‌ای متعالی رفع کنند.

کلیدواژه‌ها

کودک، حق آموزش، قلمرو زمانی، قلمرو مکانی

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه امام صادق^(ع)، پردیس خاوران، تهران، ایران atefehabbasi@isu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران.

akbari.ujsas@gmail.com

مقدمه

کودک در اصطلاح فقهی به کسی گفته می‌شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و ممکن است ممیز یا غیر ممیز باشد. ملاک این تقسیم‌بندی توجه به وضعیت دماغی کودک و قوه ادراک و تمییز وی است. فقهای عامه هم مانند علمای تشیع سن خاصی را برای تشخیص تمییز مورد استفاده قرار نداده‌اند. طبق ماده اول کنوانسیون حقوق کودک، به هر فرد زیر ۱۸ سال عنوان کودک اطلاق می‌شود؛ مگر این که مقررات هر کشوری سن خاصی را برای کودک در نظر گرفته باشد. با این حال، هر کودکی با توجه به ویژگی‌های جسمانی و روانی خود و نیز با توجه به این که جزو اقشار آسیب‌پذیر هر جامعه است، حقوقی دارد که لازم است برای سعادت جامعه و نسل آینده، در کانون نهاد خانواده و سایر نهادهای اجتماعی مرتفع گردد.

یکی از حقوق کودک حق تعلیم و آموزش کودک است. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «علم سه چیز است: آیات محکمه (اصول اعتقادی)، فریضه عادلانه (علم اخلاق) و سنت قائمه (احکام شرعی)» (کلینی، ۱۴۳۰ هـ ج ۱، ص ۳۲). حدیث نبوی دال بر اهمیت علم و دانش و علم‌آموزی توسط هر انسانی است و بدیهی است که کودک جزو با اهمیت‌ترین قشر از جامعه انسانی است.

از حیث قانون‌گذاری، در مورد تضمین این حق توسط والدین، خلأ و اجمال دیده می‌شود. اصل ۳۰ قانون اساسی تنها به اجباری و رایگان بودن آموزش کودکان اشاره دارد؛ بدون این که در صدد بیان کیفیت آموزش کودک خصوصاً توسط والدین برآید. آموزه‌های اسلامی همواره در تعلیم خود به این امر توجه کرده است و عدم انعکاس آن در قوانین بشری، نقصی است که باید هنگام تنظیم قوانین و مقررات مورد توجه قرار گیرد. لذا ضروری است حق تعلیم کودک توسط والدین به رسمیت شناخته شود و تضمین‌های قانونی برای حمایت از کودک در برابر والدین وضع شود تا علاوه بر نهادهای دولتی، نهاد خانواده نیز به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی در راستای اجرای این حق، مسؤول شناخته شود.

این مقاله با روش کتابخانه‌ای و با استناد به اسناد بین‌المللی به دنبال تبیین ویژگی‌های حقوق کودک و مسؤولیت تعلیم وی و ضمانت اجرای ترک آن است؛ همچنین در پی روشن‌سازی

قلمرو زمانی و مکانی حق تعلیم کودک می‌باشد؛ با توجه به اجمال قانونی و مناقشه در خصوص مصادیق حقوق کودک سعی شده است موضوعاتی بیان شود که باید مورد توجه والدین قرار گیرد تا آنها را به کودک آموزش دهند.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱. کودک

در اصطلاح فقهی کودک به کسی گفته می‌شود که هنوز به حد بلوغ شرعی نرسیده است؛ لازم به ذکر است که در فقه امامیه ملاک و معیار سنجش بلوغ، بلوغ جنسی است هکذا سن بلوغ اماره طبیعی رسیدن به بلوغ است نه اماره تکوینی. قانون مدنی نیز با تأثیر از فقه امامیه کودک را کسی میدانند که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و در این راستا از نظر فقیهانی پیروی نموده است که سن بلوغ را برای دختر نه سال قمری و برای پسر پانزده سال قمری دانسته‌اند. در ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، هر فرد زیر ۱۸ سال را کودک تلقی می‌کند مگر اینکه مقررات کشورها سن دیگری را به عنوان سن خروج از کودکی پیش‌بینی کنند.

۲. حق تعلّم (حق آموزش)

از منظر حقوق بشر، حق بر آموزش کودک از جمله حقوقی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به وفور مورد تأکید قرار گرفته است. تعلّم در لغت به معنای یادگیری و آموزش است و چنانچه با حق همراه باشد باعث ایجاد تکلیف برای نهادهای رسمی و غیر رسمی جهت فراهم نمودن شرایط و امکانات لازم جهت استیفاء این حق توسط کودک، می‌گردد. به عبارت دیگر تفسیر این حق باعث به ظهور رسیدن طیفی از قابلیت‌ها و استعدادهای کودک خواهد شد. در اصطلاح آموزش و تعلّم کودک به معنای فراهم نمودن شرایط و امکانات لازم جهت القاء برخی مفاهیم متناسب با سن کودک توسط والدین و جامعه می‌باشد.

حقوق کودک

حقوق کودک مجموعه‌ای از حقوق ویژه‌ای است که به هر کودک به عنوان یک شخص حقیقی

که بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرد؛ اعطا می‌شود. در ذیل به برخی از ویژگی‌های حقوق کودک اشاره خواهد شد.

ویژگی‌های حقوق کودک

جامعه سالم و متعالی ثمره خانواده‌های سالم است؛ لذا رعایت حقوق کودکان ضامن رشد و سعادت خانواده و جامعه است و بدین منظور والدین ناگزیر به آشنایی در خصوص ویژگی‌های حقوق کودک هستند.

برای حقوق کودک ویژگی‌هایی مقصود است؛ از جمله این که:

- حقوق کودک مجموعه‌ای از نیازهای شدید کودک با توجه به اقتضای سنی وی است.
- حقوق کودک می‌خواهد مجموعه‌ای از حقوق مشخصی را در سراسر جهان مورد وفاق مردم قرار دهد.

- حقوق کودک به دنبال حفظ کرامت و آزادی‌های اساسی کودک می‌باشد.
- حقوق کودک به دنبال ایجاد حقوقی است که برای همه انسان‌ها با همه تنوع و کثرت فرهنگی قابل استفاده باشد.

به نظر می‌رسد با توجه به این که تعالی و رشد هر جامعه مرهون وجود نسلی توانمند است؛ تعلیم و تربیت کودکان باید با جدیت بیشتری دنبال شود؛ بدین منظور والدین از نخستین کسانی هستند که باید برای رسیدن به این مطلوب تلاش کنند و حقوق انسانی و ذاتی هر کودک را بشناسند و به دنبال رعایت این حقوق باشند. در این راستا ضروری است آگاهی‌هایی به والدین داده شود که آن‌ها علاوه بر آموزش و تعلیم صحیح به کودک از بد رفتاری، کودک آزاری، تبعیض و ... پرهیز نمایند. زیرا طبق موازین اسلامی هفت سال ابتدایی حیات کودک در اصطلاح «دوره پادشاهی» کودک است که والدین باید منافع عالی کودک را در اولویت قرار دهند و بدانند که هر نوع تضییع حقوق کودک منجر به مجازات آن‌ها می‌شود (ملکی، ۱۳۸۸، ص ۱۰-۱۱).
پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک در ۵۴ ماده تنظیم شده است که ماده اول پیمان‌نامه^۱ به هر

1. For the purposes of the present Convention, a child means every human being below the age of eighteen years unless under the law applicable to the child, majority is attained earlier.

فردی که زیر ۱۸ سال سن داشته باشد، کودک می‌گوید. سایر بندهای پیمان‌نامه بر حق رشد و توسعه کودک تأکید دارد و حقوقی مانند حق ادامه تحصیل، دسترسی به اطلاعات و ... به عنوان حقوق اساسی و بنیادین کودک ذکر می‌کند. به موجب ماده سوم پیمان‌نامه^۱: «تمام حقوقی که برای کودک ذکر شده است، از جمله حق تعلیم کودک باید در جهت منافع عالی وی باشد».

رعایت اصل حریم خصوصی کودک

مسأله مهمی که همواره باید مورد توجه والدین به عنوان مهم‌ترین عناصر تعلیم و تربیت کودک، قرار گیرد، این است که آموزش مسائل اجتماعی و مهارت‌ها و علوم مختلف نباید به گونه‌ای صورت گیرد که باعث تحمیل عقاید والدین به کودک شود؛ زیرا این امر با اصل احترام به حریم خصوصی افراد متعارض است. در حالی که در قوانین داخلی و قوانین بین‌المللی، این حق به‌وفور مورد تأکید قرار گرفته است و عدم توجه به آن باعث نقض آزادی فکر و عقیده اشخاص می‌شود. بدین منظور، ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک^۲ ورود غیر قانونی به حریم خصوصی کودک را منع کرده است. بدیهی است که آزادی فکر کودک و عدم تحمیل آموزش‌های والدین به کودک از مصادیق حفظ حریم خصوصی وی است؛ لذا بهتر است مداخله در حریم خصوصی کودک مطابق با منافع عالی وی باشد. حمایت از این اصل در «لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان»، تبصره ۳ ماده ۳ «قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند» و قوانین دیگر دیده می‌شود (اسدی، ۱۳۸۸، ص ۸-۱۳).

1. In all actions concerning children, whether undertaken by public or private social welfare institutions, courts of law, administrative authorities or legislative bodies, the best interests of the child shall be a primary consideration
2. No child shall be subjected to arbitrary or unlawful interference with his or her privacy, family, home or correspondence, nor to unlawful attacks on his or her honor and reputation.

بار مسؤولیت تعلیم و تربیت کودک و ضمانت اجرای ترک آن

جهت تعیین حدود و ثغور مسؤولیت تعلیم و تربیت کودک توسط والدین، باید بررسی کنیم که گستره نقش والدین در برابر سایر عناصر اجتماعی از جمله دولت یا اجتماع به چه نحوی است. در این راستا باید ضمانت اجرای مناسبی برای تضمین اجرای تکلیف توسط مقنن به منصفه ظهور برسد.

اولویت در تعلیم و تربیت کودک

همیشه وقتی از حق سخن گفته می‌شود، به دنبال آن تکلیف به وجود می‌آید. به عبارتی، حق با تکلیف ملازمت دارد و لازمه اجرای حقی، تکلیف دیگران در برابر آن است. طبق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی «نگهداری از طفل حق و تکلیف ابویین است». مسؤولیت نیز نتیجه تکلیف شخص است که یا به حکم قانون بر فرد بار می‌شود که در این حالت، قهری الاجراست؛ یا به شکل قراردادی بین افراد شکل می‌گیرد و یا به شکل اخلاقی و غیرقانونی است که تنها ضمانت اجرای آن سرزنش‌های اخلاقی است. مسؤولیت تعلیم طفل هم بر عهده والدین است و هم به عهده نهادهای اجتماعی از قبیل مدرسه، دانشگاه و... (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵-۱۴۰).

در این که اولویت تعلیم و تربیت با کدام یک از گروه‌های فوق‌الذکر است، باید گفت در اصل ۳ قانون اساسی تنها به تامین وسایل و امکانات آموزش توسط دولت اشاره شده است؛ اما در کنوانسیون‌های حقوق بشری اولویت با والدین است. بند ۳ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ بیان می‌دارد: «حق تقدم در انتخاب نوع آموزش با والدین است» (عباسی، ۱۳۹۵، ص ۶۷-۷۰).

به موجب بند ۳ ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۲ «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین یا سرپرست قانونی کودکان را بر حسب

1. Parents have a prior right to choose the kind of education that shall be given to their children.
2. The States Parties to the present Covenant undertake to have respect for the liberty of and, when applicable, legal guardians to choose for their children schools, other than those established by the public authorities, which conform to such minimum educational standards as may be laid down or approved by the State and to ensure the religious and moral education of their children in conformity with their own convictions.

مورد در انتخاب مدرسه برای کودکانشان سوای مدارس دولتی محترم بشمارند؛ مشروط بر این که مدارس مزبور با حداقل موازین آموزش و پرورش که ممکن است دولت تجویز یا تصویب کرده باشد، مطابقت داشته باشد و آموزش و پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق با تعهدات والدین آن تامین گردد» (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶).

طبق بند ۱ ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک^۱ «والدین و یا قیم قانونی مسئولیت عمده در خصوص رشد و پیشرفت کودک را بر عهده دارند. اساسی‌ترین مساله آنان حفظ منافع عالی کودک است» (نبی لو، ۱۳۸۶، ص ۲۴۹-۲۵۰).

ضمانت اجرای تخلف از رعایت حق کودک

نظام حقوقی ایران از لحاظ تضمین اجرای حقوق و انجام تکالیف تا حد نسبتاً زیادی جدی عمل کرده است؛ زیرا اگر اجرای حقی بدون پشتوانه و ضمانت اجرا باشد، باب تخلف و سوء استفاده را فراهم کرده و اشخاص بدون این که ملزم به انجام کاری شوند، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند و این مسأله به مرور باعث خدشه به نظم عمومی جامعه می‌شود. مقصود از تضمینات، مجموعه تدابیری است که راه را برای سوء استفاده ولی قهری از طفل می‌بندد و چنانچه در جهت تعلیم و تربیت کودک اعمالی خلاف مصلحت انجام دهد و یا خیانت وی احراز گردد، قانون با به اجرا در آوردن تضمینات، از طفل حمایت می‌کند. از جمله ممکن است طفل را برای تربیت و نگهداری به شخص دیگری بسپارد و یا شخصی را به عنوان امین در کنار ولی قهری منصوب کند و در مواردی مسئولیت مدنی و کیفری برای متخلف در نظر بگیرد. مطابق ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی «هرگاه ولی قهری طفل، غبطه صغیر را رعایت نکند و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه شود... دادگاه فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌کند. همچنین اگر ولی قهری به واسطه کبر سن یا

1. States Parties shall use their best efforts to ensure recognition of the principle that both parents have common responsibilities for the upbringing and development of the child. Parents or, as the case may be, legal guardians, have the primary responsibility for the upbringing and development of the child. The best interests of the child will be their basic concern.

بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی علیه نباشد، طبق مقررات این ماده فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم می‌شود». البته قابل ذکر است منشأ بسیاری از تخلفات، ناآگاهی و جهل والدین از حقوق کودک و وظایف خود است و این امر نشان دهنده ضعف جامعه در تبیین این حقوق بر خانواده است و تا زمانی که آگاهی شکل نگیرد، تخلفات همچنان وجود خواهد داشت (وزیری، ۱۳۸۴، ص ۳۷۱).

در ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک^۱ نیز اقدامات حمایتی کشورهای عضو از کودکان از طرق مختلف قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی مورد تأکید قرار گرفته است. علاوه بر ضمانت اجراهای مقرر در قوانین داخلی و اسناد بین المللی، باید ذکر کرد که اختیارات والدین در خصوص اجرای تکالیفی که به عهده دارند، مطلق و بی قید و شرط نیست؛ بلکه این اختیارات به علت برخورداری کودک از حق بر تمامیت جسمانی محدود شده است و تنبیه کودک زمانی فاقد وصف کیفری خواهد بود که به منظور تادیب و تربیت وی در حد متعارف اعمال شود؛ و الاً به اقتضای قاعده اولیه حرمت تنبیه، تجاوز از حق تلقی شده، دارای وصف مجرمانه خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۱، ج ۴۲، ص ۱۶۷).

قلمرو زمانی و مکانی حق تعلیم کودک

مقصود از قلمرو زمانی در تعلیم کودک، تعیین سن متناسب با فهم و درک کودک جهت آموزش به وی است که در این خصوص باید موضوعات آموزشی با توجه به رشد فکری کودک به وی منتقل شود. از طرف دیگر، آموزش وی توسط والدین از نظر مکانی عرفاً در محیط خانواده یا محیط بازی کودک صورت می‌گیرد.

1. States Parties shall take all appropriate legislative, administrative, social and educational measures to protect the child from all forms of physical or mental violence, injury or abuse, neglect or negligent treatment, maltreatment or exploitation, including sexual abuse, while in the care of parent(s), legal guardian(s) or any other person who has the care of the child.

قلمرو زمانی

حق کودک به آموزش جزو حقوق فردی و جمعی وی است و تعهدات ناشی از آن حسب مورد بر عهده والدین، دولت و جامعه جهانی است. آموزش‌های قبل از ورود کودک به دبستان عمدتاً بر عهده والدین است و اغلب علمی را در بر می‌گیرد که جنبه انتزاعی و نظری نداشته باشد. این آموزش‌ها از سوی والدین به شکل غیر رسمی به کودک ارائه می‌شود؛ بدین معنا که ساختار مشخصی ندارد. تفکیک میان آموزش رسمی و غیر رسمی، نمایانگر توافق یا تضاد میان آموزش‌های دولت و نهادهای غیر دولتی مانند خانواده است (شریعتمداری، ۱۳۷۸، ص ۷۸).

بند ۱ ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک در خصوص عنصر زمانی آموزش کودک سکوت کرده است و حق بر آموزش کودک قبل از ورود به مدرسه در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی جنبه الزام آور ندارد و تبعاً هیچ‌گونه تعهد و مسئولیتی برای والدین در پی ندارد؛ اما کمیته حقوق کودک به دنبال آن است که دولت‌ها آموزش‌های پیش‌دبستانی را برای خانواده‌ها الزامی کرده و برای تخلف از آن ضمانت اجرایی در نظر بگیرند. لازم به ذکر است که رسیدن به این مطلوب، در گرو آگاهی‌سازی‌های والدین و ایجاد یک فرهنگ صحیح توسط دولت‌هاست.

در مجموع، به نظر می‌رسد با توجه به تعالیم اسلامی و موازین بین‌المللی، آموزش برخی از موضوعات که در ادامه بدان خواهیم پرداخت، به عهده والدین است که موظف هستند از سال‌های اولیه زندگی کودک به آموزش وی بپردازند. بدیهی است که تربیت کودک با تعلیم وی رابطه ملازمت دارد و با توجه به این که تربیت کودک هر چند به شکل ابتدایی از بدو تولد آغاز می‌شود، تعلیم وی نیز از همان سال‌های ابتدایی شروع شده، با افزایش درک و فهم کودک، تعلیم وی نیز به پیشرفت می‌گراید. مقصود از پیشرفت، پیشرفت در زمینه تعلیم است، زیرا تعلیم امور پیچیده در همان سنین ابتدایی حیات کودک امری عبث خواهد بود؛ لذا همواره باید اصل تناسب در آموزش کودک رعایت گردد. برای مثال، فهم جاندار بودن اشیا در قبل از پنج سالگی صورت می‌گیرد. از طرف دیگر آموزش کودک در سن ۵-۴ سالگی به نقطه اوج خود می‌رسد و با ورود کودک به مدرسه، آموزش وی توسط والدین تا حدی

کمرنگ می‌شود و این آموزش به مربیان مجرب واگذار می‌گردد. اما باید توجه داشت آموزش کودک توسط والدین هیچ گاه از بین نمی‌رود؛ بلکه همواره وجود دارد و با توجه به اقتضای سنی کودک کمرنگ یا پررنگ می‌شود (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۲-۱۰).

قلمرو مکانی

آموزش کودک توسط والدین در محیط‌هایی غیر از مدرسه و موسسات آموزشی صورت می‌گیرد؛ زیرا امر آموزش، لزوماً با حضور کودک در مدرسه ملازمت ندارد و چه بسا والدین تمایل به آموزش کودک در محیط خانواده یا محیط دوستان داشته باشند؛ هیچ منعی در کنوانسیون حقوق کودک و قوانین داخلی در این خصوص دیده نمی‌شود؛ زیرا اجباری بودن آموزش به معنای اجباری بودن حضور در مدرسه نیست. والدین می‌توانند قبل از ورود کودک به مدرسه به‌طور ملموس آموزش‌هایی به کودک ارائه دهند و چنین آموزش‌هایی اغلب به شکل تجربی است که کودک را با تمام حواس پنج‌گانه درگیر می‌کند. آموزش‌هایی که کودک بعد از سن هفت سالگی می‌بیند، همانطور که گفته شد، با اخذ مجوز از دولت می‌تواند در محیطی غیر از مدرسه باشد و چنین امری با حق آموزش کودک و اجباری بودن آموزش وی منافاتی ندارد. طبق بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ «آموزش و پرورش ابتدایی و پایه باید رایگان باشد و آموزش ابتدایی اجباری است». همانطور که ملاحظه می‌شود، این ماده و اصل ۳۰ قانون اساسی به اجباری بودن آموزش صرف نظر از این که حتماً در محیط مدرسه باشد یا خیر، اشاره دارد (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۵۹).

موضوعات تعلیم و تربیت کودک توسط والدین

خانواده به عنوان عنصر اصلی و مهم تعلیم و تربیت کودک نقش خود را قبل از ورود کودک به مدرسه در زمینه اجتماعی کردن کودک، آموزش آداب و رسوم صحیح، ایجاد اخلاق نیکو ایفا می‌کنند؛ زیرا دوره قبل از ورود به مدرسه، در تکوین شخصیت و قوه منطقی و رشد

1. States Parties shall recognize for every child the right to benefit from social security, including social insurance, and shall take the necessary measures to achieve the full realization of this right in accordance with their national law.

استعدادهای کودک بسیار مهم است و آموزش کودک در این سنین معقول و لازم است (بانکی پور، ۱۳۸۰، ص ۲۴۷).

آموزش‌های مربوط به شخصیت کودک

حالات مختلف شخصیت کودک از جمله مطیع و سازگار بودن یا پرخاشگر بودن در دوران بزرگسالی وی ریشه در تعلیم و تربیت وی در کودکی دارد. والدین باید آگاه باشند که چه علومی را در دوران کودکی به کودک آموزش دهند تا باعث رشد شخصیت وی شود. الف- به فعلیت رساندن قوا و استعدادهای انسانی: مقصود این است که والدین باید بتوانند نقاط قوت کودک را بیابند و در صدد تقویت و رشد آن برآیند و به وی کمک کنند تا بتواند استعدادهای خود را شناخته، از آن استفاده کند. البته با توجه به این که استعداد فجور و شر نیز در انسان وجود دارد، والدین باید بتوانند به کودک آموزش دهند که چنین استعدادهایی را کنترل کند.

طبق اصل دوم اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱ «کودک باید از حمایت ویژه برخوردار شود و امکانات و وسایل ضروری جهت پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی به نحوی سالم و طبیعی و در محیط آزاد و محترم توسط قانون یا مراجع ذی‌ربط در اختیار وی قرار گیرد. در وضع قوانینی بدین منظور، منافع کودکان باید بالاترین اولویت را داشته باشد».

باید توجه داشت که اگر هدف از آموزش، تعلیم برخی علوم و فنون و تقویت قوای بدنی باشد، این مقصود در بسیاری از موسسات عمومی به طریق بهتری نسبت به خانواده تامین خواهد شد؛ لیکن علاوه بر این نیازها باید نیازهای عاطفی، روحی- روانی و شخصیتی کودک نیز تأمین گردد (صفایی و امامی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۰).

1. The child shall enjoy special protection, and shall be given opportunities and facilities, by law and by other means, to enable him to develop physically, mentally, morally, spiritually and socially in a healthy and normal manner and in conditions of edom and dignity. In the enactment of laws for this purpose, the best interests of the child shall be the paramount consideration .

ب- ایجاد محیطی مساعد برای ارضای رغبت‌های فردی: باید توجه کرد که در کنار آموزش مزبور باید به کودک آموزش داده شود که ارضای رغبت‌های فردی تا زمانی مطلوب است که به رغبت‌های جمعی و نظم عمومی لطمه وارد نکند. آموزش این مسأله به کودک، باعث رشد درک و فهم وی شده، موب می‌گردد همواره خواسته‌های عمومی را بر خواسته‌های فردی خود ترجیح دهد. همان‌طور که در ماده ۱۰ قانون مدنی به ارجحیت نظم عمومی و اخلاق حسنه بر قراردادهای خصوصی اشاره شده است که با تنقیح مناط حکم این مسأله به موارد مشابه تسری پیدا می‌کند.

طبق اصل ششم اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱ «کودک جهت پرورش کامل و متعادل شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود و به هر صورت در فضای پر از محبت در امنیت اخلاقی و مادی پرورش یابد. کودک خردسال را بجز در موارد استثنایی نباید از مادر جدا کرد. جامعه و مقامات اجتماعی موظفند که به کودکان بدون خانواده و کودکان بی بضاعت توجه خاص مبذول دارند. کمک‌های نقدی دولت و دیگر تسهیلات جهت تامین و نگهداری فرزندان خانواده‌های پر جمعیت توصیه می‌شود».

ج- رشد قوه قضاوت صحیح: با آموزش این مسأله به کودک، وی کمتر دچار لغزش و خطا می‌شود و می‌تواند از همان ابتدا خوب تصمیم بگیرد و درست عمل کند و چنانچه نتواند تمام جوانب را بررسی کند، از والدین خود مشورت بگیرد.

طبق ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک^۲ «کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌کنند که پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان باید جزو آموزش

1. The child, for the full and harmonious development of his personality, needs love and understanding. He shall, wherever possible, grow up in the care and under the responsibility of his parents, and, in any case, in an atmosphere of affection and of moral and material security; a child of tender years shall not, save in exceptional circumstances, be separated from his mother.

2. States Parties agree that the education of the child shall be directed to: (a) The development of the child's personality, talents and mental and physical abilities to their fullest potential.

و پرورش کودکان باشد».

د- **هدایت جنبه‌های مختلف شخصیت فرد:** از نظر اسلام تعلیم و تربیت جز راهنمایی و هدایت نیست. والدین باید بتوانند ضمن شناخت شخصیت کودک آن را به سمت و سوی اسلامی هدایت کنند؛ البته این مسأله با تحمیل و اجبار منافات دارد و هدایت کاملاً به شکل ماهرانه صورت می‌گیرد و در نهایت کودک همان چیزی را می‌طلبد که در اسلام سفارش شده است (بهشتی، ۱۳۹۱، ص ۴۵-۵۱). ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی هم بیان کرده است: «زوجین باید در تشییید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند».

والدین باید فرزندان خود را برای مقابله با مصائب زندگی آماده سازند و رفتارهای اشتباه آن‌ها را برای رشد فکری آن‌ها در آینده اصلاح کنند (Brown and Francis, 1993, P.387) طبق بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک^۱ «کشورهای طرف کنوانسیون حقوق و وظایف والدین و سایر سرپرستان قانونی کودک را درباره هدایت کودک در جهت اعمال حقوق وی به طریقی که باعث اعتلای استعدادها و توانایی‌های کودک شود، محترم خواهند شمرد».

ه- آزادی بیان و عقیده: طبق آیه «الذین یتبعون الرسول النبى الامى... و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التى كانت علیهم» (اعراف، ۱۵۷) فلسفه و چیستی آزادی انسان رها کردن خود از بندگی غیر خداست.

به موجب آیه «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» (بقره، ۲۵۵) پذیرش دین و عمل به وظایف دینی باید خالی از هرگونه اجبار و اکراهی باشد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰۷). با توجه به آیات فوق روشن می‌شود که والدین نباید در انتقال مفاهیم آموزشی و شکل دادن به عقاید و شخصیت کودک، اجبار و اکراهی را به وی تحمیل کنند. در روش‌های تربیتی، از نظر اسلام بعد «کنترل‌کنندگی» که دارای نوعی انضباط و محدودیت است، مطلوب است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکویی یاری کند و او کسی است که آنچه را که در وسع و توان کودک باشد و انجام دهد، بپذیرد و از آنچه که بر

1. States Parties shall respect the rights and duties of the parents and, when applicable, legal guardians, to provide direction to the child in the exercise of his or her right in a manner consistent with the evolving capacities of the child.

کودک دشوار است، درگذرد و با تحمیل کارهای فوق طاققت، به او ستم روا ندارد و در رفتار با او درستی و سختگیری نشان ندهد» (لطف آبادی، ۱۳۷۱، ص ۵۲).
 کمیته حقوق کودک نیز تأکید کرده است تنبیه بدنی کودک با مفاد کنوانسیون مغایر است و اسناد بین‌المللی با آن مخالفت کرده‌اند و علت این امر جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی است (Newell and Hodgkin, 2002, P.257).

آموزش‌های مرتبط به اصول دینی و اعتقادی کودک

در جوامع اسلامی به دلیل اینکه نظام و حکومت آن مبتنی بر اسلام و آموزه‌های شریعت مقدس است؛ لازم است در وهله نخست به کودکان به عنوان حافظان نظام اسلامی امور دینی و اعتقادی و شعائر اسلامی آموزش داده شود.

الف- اصول اعتقادی دین: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «زبان کودکانتان را به لا اله الا الله بگشایید». آموزش شعائر اعتقادی باید به شکل آموزش‌های استدلالی باشد. این مسأله در روایات مورد تأکید قرار گرفته است و باعث می‌شود کودک با به‌کارگیری قوه عقل و منطق خود اصول اعتقادی را بپذیرد و از آن‌ها دفاع کند.

طبق ماده ۵ اعلامیه محو تمام اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده^۱ «والدین یا در صورت مقتضی، قیم‌های قانونی کودک حق دارند زندگی در خانواده را مطابق با مذهب یا عقیده خود و با توجه به آموزش اخلاقی‌ای که از نظر آن‌ها کودک می‌باید طبق آن تربیت شود، سازمان دهند».

ب- آموزش قرآن: در روایات، برای تعلیم قرآن باید ظرفیت عقلانی و احساسی کودک در نظر گرفته شود و بتدریج از امور حسی شروع شود و سپس به امور عقلی و استدلالی رسد.

ج- آموزش مسائل اخلاقی: چنان‌که صاحب‌نظران اخلاق توجه کرده‌اند، آموزش اخلاق هم به شکل نظری است، هم به شکل عملی. چنانچه آموزش مسائل اخلاقی به کودک به شکل

1. The parents or, as the case may be, the legal guardians of the child have the right to organize the life within the family in accordance with their religion or belief and bearing in mind the moral education in which they believe the child should be brought up.

عملی از سوی والدین صورت گیرد، علاوه بر تاثیر غیرقابل انکار بر اخلاق و رفتار کودک، باعث می‌شود کودک بتواند مسائل نظری را بهتر درک کند (وزیری، ۱۳۸۴، ص ۱۹۷-۲۰۰). گفتنی است لایحه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان برای حمایت از سلامت اخلاقی کودکان به موضوع ممنوعیت هرزه‌نگاری کودکان پرداخته است. طبق ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک^۱ «کشورهای طرف کنوانسیون حقوق و وظایف والدین و سایر سرپرستان قانونی کودک را برای هدایت کودک در جهت اعمال حقوق وی، به طریقی که باعث اعتلای استعدادها و توانایی‌های کودک شود، محترم خواهند شمرد».

آموزش‌های پایه و عمومی

برخی علوم از حیث نظری بین جوامع مختلف مشترک است و به عنوان آموزش‌های ابتدایی و پایه و اساسی لازم است توسط والدین به کودک آموزش داده شود.

الف- آموزش سواد پایه: یکی از وظایف والدین، آموزش کتابت و نوشتن به کودک است؛ همان‌طور که پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «از حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: نام نیک، تعلیم خواندن و نوشتن، انتخاب همسر شایسته» (حر عاملی ۱۴۱۴ هـ ج ۳، ص ۱۳۴).

از نخستین اموری که باید به کودک آموزش داده شود، کتاب خدا و شریعت اسلام است. در روایات اسلامی نیز برای آموزش تعالیم و احکام دینی، به مراحل مختلف سن کودک توجه شده است. از این رو در برخی روایات، دوران تربیت کودک به سه دوره تقسیم شده است تا والدین به تفاوت‌های سنی و دوره رشد فکری کودک توجه نمایند. در کنار آموزش‌های دینی، به موجب حکم عقل باید علوم و فنون مختلف دیگری نیز به کودک آموزش داده شود تا وی بتواند در آینده به عنوان کسی که دارای عقلی سلیم و کارآمد است، زندگی خود را اداره نماید (عظیم زاده اردبیلی، حمیدی پور، ۱۳۹۳، ص ۱۵۷).

1. States Parties shall respect the rights and duties of the parents and, when applicable, legal guardians, to provide direction to the child in the exercise of his or her right in a manner consistent with the evolving capacities of the child.

ب- آموزش‌های نیازهای جامعه اسلامی: با توجه به این که جامعه اسلامی باید جامعه‌ای خودکفا و مستقل باشد، باید نیازهای جامعه اسلامی شناسایی شود و در صدد رفع آن باشیم. طبق فرمایش حضرت علی^(ع) «بهترین چیزی که شایسته است کودک فرا بگیرد، چیزهایی است که در بزرگسالی به آن‌ها نیازمند می‌شود» (عظیم زاده اردبیلی، حمیدی پور، ۱۳۹۳، ص ۲۰۲-۲۰۴).

آموزش‌های مربوط به سلامت کودکان

کودکان به عنوان وارثان کشور ناگزیر هستند در آینده به عنوان مسئولین کشور انجام وظیفه کنند اما این مهم در سایه‌ی سلامتی آن‌ها از حیث فیزیکی و بدنی و نیز از جهت روانی و شخصیتی، امکان پذیر می‌باشد.

الف- سلامت جسمانی کودک: یکی از حقوق کودک در برابر والدین، داشتن جسمی سالم و تغذیه مناسب با رشد کودک است. کودک زمانی توانایی عقلی بالایی دارد که بدن سالم داشته باشد و والدین باید خطرات احتمالی که سلامت کودک را به خطر می‌اندازند و راه‌های اجتناب از آن‌ها را به کودک آموزش دهند.

از عوامل مؤثر در تسهیل تربیت کودک، توجه به تغذیه وی بخصوص در دوران شیرخوارگی است؛ زیرا از حیث روحی و جسمی این دوره در رشد کودک بسیار مهم است. شیر چنان در تربیت و شخصیت و ظاهر فرد اثرگذار است که حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «بهترین فرد را برای رضاع انتخاب کنید؛ همان‌طور که بهترین فرد را برای ازدواج انتخاب می‌کنید؛ زیرا شیر فطرت را تغییر می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۰۰، ص ۳۲۳).

طبق ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ «هر انسانی سزاوار زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش می‌باشد. از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در

1. Everyone has the right to a standard of living adequate for the health and well-being of himself and of his family, including food, clothing, housing and medical care and necessary social services, and the right to security in the event of unemployment, sickness, disability, widowhood, old age or other lack of livelihood in circumstances beyond his control.

زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد. دوره مادری و دوره کودکی سزاوار توجه و مراقبت ویژه است. همه کودکان، اعم از آن که با پیوند زناشویی یا خارج از پیوند زناشویی به دنیا بیایند، باید از حمایت اجتماعی یکسان برخوردار شوند».

ب- سلامت روانی کودک: علاوه بر سلامت جسمانی، سالم بودن عقل و روان کودک بسیار اهمیت دارد. بسیاری از ناهنجاری‌های بزرگسالی ناشی از عقده‌هایی است که در دوران کودکی شکل می‌گیرد؛ لذا محیط زندگی کودک باید به گونه‌ای باشد که او بتواند بدون غرض‌ورزی و عقده‌گشایی تصمیم بگیرد. به موجب ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک^۱ «دولت‌ها موظفند حداقل دانش لازم را برای بهداشت جسمی و روانی به والدین آموزش دهند تا والدین آن را به کودکان منتقل نمایند» (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۲۲). در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ حفظ سلامت جسمانی و روانی و اخلاقی کودک و حق او بر آموزش از مواردی است که در تربیت کودک نقشی بسزا دارد که طبق این مسأله از این حقوق به صراحت حمایت شده است.

طبق ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی^۲ «کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن‌الحصول به رسمیت می‌شناسند».

یافته‌های پژوهش

حق آموزش یکی از مهم‌ترین حقوق کودک است که به عهده والدین و دولت گذاشته شده

1. States Parties recognize the right of the child to the enjoyment of the highest attainable standard of health and to facilities for the treatment of illness and rehabilitation of health. States Parties shall strive to ensure that no child is deprived of his or her right of access to such health care services.

2. The States Parties to the present Covenant recognize the right of everyone to the enjoyment of the highest attainable standard of physical and mental health.

است و نهادهای یادشده موظفند در حیطه اختیارات و وظایف خود، حق کودک را به نحو احسن برآورده کنند. خانواده به عنوان یکی از عناصر اصلی این فرایند موظف است تمام آموزش‌های قبل از ورود به مدرسه را به کودک ارائه دهد. در این طیف گسترده، نباید حریم خصوصی کودک نقض شود؛ نیز همواره باید اصل تناسب بین آموزش‌های کودک و اقتضاهای سنی وی رعایت شود. چنانچه وظایف والدین بدرستی و بطور جامع به آن‌ها آموزش داده شود، می‌توان ضمانت‌های اجرایی برای ترک فعل و تخلف از انجام وظایف بر آن‌ها بار کرد.

والدین موظف هستند آموزش کودک را از همان سال‌های ابتدایی زندگی وی آغاز کنند و شایسته است این آموزش‌ها ابتدا به شکل جسمی و ملموس باشد و سپس به مراحل تعقل و عقلانیت برسد. در نظام حقوقی ایران، تحصیل و حق بر آموزش کودک جزو حقوق اجباری وی است؛ اما تا حال هیچ والدینی به علت عدم تدارک موجبات تحصیل فرزندش تحت تعقیب قرار نگرفته است. به‌علاوه قوانین ما در خصوص آموزش‌های قبل از دبستان کودک سکوت کرده است و این اجمال و خلأ قانونی به‌هیچ‌وجه قابل دفاع نیست.

بدین منظور باید دولت بیشتر به حقوق کودک توجه نماید و زمینه لازم برای اجرای مفاد کنوانسیون را فراهم کند. با توجه به این که نهاد خانواده مهم‌ترین جایگاه برای رشد و بالندگی کودک است و تحقق حقوق کودک منوط به سلامت و امنیت خانواده است، دولت باید بیشترین توجه خود را به نهاد خانواده مبذول دارد. از طرفی، دین مبین اسلام تربیت کودک را در گرو تعلیم همه‌جانبه اعتقادی و شخصیتی و بهداشت جسمانی و روانی می‌داند و رسیدن به مطلوب کامل مستلزم آموزش صحیح و جامع تمامی مسائل فوق‌الذکر است؛ لیکن باید در نظر داشت که برای رسیدن به این مقصود، محدودیت‌هایی نیز باید متوجه والدین شود تا آن‌ها اختیار مطلق و بی‌قید و شرط نداشته باشند؛ زیرا اختیار مطلق با جواز تنبیه و خشونت کودک ملازم است؛ در حالی که در اسناد بین‌المللی با تنبیه کودک مخالفت شده است و طبق آموزه‌های اسلامی نیز به اقتضای قاعده حرمت اولیه، تنبیه کودک جوازی ندارد.

در کشور ایران، مرجع و مکان امنی که کودک در صورت ضرورت و در صورت نقض حقوق وی بتواند به آن رجوع کند، وجود ندارد؛ لذا وجود یک مرجع مددکاری کودکان

می‌تواند مشکلات کودکان را به حداقل برساند. علاوه بر این، آگاهی و آموزش دادن به والدین از طریق ایجاد مراکز مشاوره نیز از دیگر راه‌های موثر در احقاق حقوق کودکان است؛ البته چنانچه اقدامات مشاوره‌ای قبل از تولد کودک توسط والدین پیگیری شود و نهادی ناظر بر تکمیل این روند تشکیل شود، چه بسا بسیاری از ناهنجاری‌هایی که ناشی از عدم آگاهی والدین از حقوق فرزندان و کودکان از حقوق خویش است، تعدیل می‌شود. ایجاد مراکز گزارش‌دهی اجباری نیز می‌تواند گامی موثر در احقاق حقوق کودک باشد تا کودکان بتوانند از طریق ارتباطگیری با مراکز فوق در خصوص مشکلات و مسائل خانوادگی خود به شکل عقلایی تصمیم بگیرند. بدین منظور می‌توان با ایجاد حس اعتماد و اطمینان در کودک، باعث شد وی داوطلبانه در بازه زمانی خاصی به این مراکز مراجعه کند و در خصوص رفتارهای والدین با خود با مشاوران مرکز تبادل نظر کرده، گزارش دهد. این فرایند باعث خواهد شد نه تنها کودک به حقوق خود اطلاع پیدا کند و از خدمات مشاوره‌ای بهره‌گیرد، بلکه اثر اربابی و بازدارنده نیز برای والدین کودک ایفا می‌کند. علاوه بر این، باعث به رسمیت شناختن نهادهای جامعه‌وی و فرا خانوادگی و نقش نظارتی آن‌ها در بین اقشار مختلف جامعه می‌شود و به مرور باعث کاهش تضییع حقوق کودک شده و نیز مانع به وقوع پیوستن انحرافات مانند اعتیاد، کجروی و ... در کودک خواهد شد؛ زیرا نهادی ناظر با تضمینات قانونی از کودکان حمایت می‌کند.

باید در نظر داشت این مهم زمانی حاصل می‌شود که ضمن به رسمیت شناختن این نهادها و تعیین ضمانت اجرای تخلف از آن توسط قانون‌گذار، دولت نیز زمینه و زیرساخت‌های اجرایی آن را فراهم نماید تا گامی موثر برای تضمین حقوق کودک در راستای اسناد بین‌المللی برداشته شود.

منابع

قرآن کریم

اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۸). «حریم خصوصی کودک و حق والدین بر تربیت». مجله فقه و حقوق خانواده، ۱۴(۵۰)، ص ۲۷-۴۵.

- انصاری، باقر (۱۳۹۲). «حق کودک به آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر». مجله حقوق اسلامی. ۱۰(۳۶)، ص ۱۱۵-۱۴۶.
- بانکی پورفر، امیرحسین (۱۳۸۰). *تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری*. تهران: انتشارات تربیت اسلامی وابسته به معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول.
- بهشتی، احمد (۱۳۸۵). *اسلام و حقوق کودک*. قم: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب، چاپ پنجم.
- بهشتی، احمد (۱۳۹۱). *تربیت از دیدگاه اسلام*. قم: انتشارات دفتر نشر پیام، چاپ دوم.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق) *وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۸). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم.
- صفایی، سیدحسین و اسدالله امامی (۱۳۹۰). *حقوق خانواده*. تهران: دانشگاه تهران: چاپ پنجم.
- عباسی، عاطفه (۱۳۹۵). *حقوق کودک*. تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه، و معصومه حمیدی پور (۱۳۹۳). «سازوکارهای حمایتی از تربیت کودک در آموزه‌های دینی با تأکید بر سیره رضوی». *فصلنامه فرهنگ رضوی*، بنیاد بین‌المللی فرهنگی و هنری امام رضا (ع)، مشهد: ۲(۵)، ص ۱۴۲-۱۶۸.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). *فقه سیاسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). *الکافی*. قم: انتشارات دارالحدیث، چاپ اول.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۷۱). «بررسی هم‌بستگی اختلالات عاطفی کودکان دبستانی با هوش و یادگیری آن‌ها». *فصلنامه تعلیم و تربیت*، وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تهران: ۸(۴)، ص ۱۳-۴۰.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*. بیروت: دار احیاء تراث العربی، چاپ دوم.
- ملکی، حسن (۱۳۸۸). *آشنایی با حقوق کودکان*. تهران: نشر آبیژ، چاپ اول.
- نبی‌لو، حسین (۱۳۸۶). «دولت، والدین و تعلیم و تربیت: تحلیل فلسفی - حقوقی حق بر تعلیم و تربیت». *مجله حقوق اساسی*، تهران: ۱۱(۸)، ص ۲۴۲-۲۵۷.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۱ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. تهران: المکتبه الاسلامیه. وزیر، مجید (۱۳۸۴). *حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.

Brown, B. Francis, S.(1993), *Participation in school- sponsored and Independent sports: Perception of self and Family*.

Convention on the Rights of the Child, Approved by the United Nations General Assembly, 1989.

Declaration on the Elimination of all Forms of Discrimination based on Religion and Belief, Approved by the United Nations General Assembly, 1981.

Hodgkin, R. Newell, P(2002), *Implementation Handbook for The convention on the Rights of the Child*, United Nation Children fund, Fully revised edition.

The Universal Declaration of Human Rights, Approved by the United Nations General Assembly, 1948.

The Universal Declaration of the Rights of Child, Approved by the United Nations General Assembly, 1959.